

## ■ تأثیر نقش ساختار کتاب‌های مرجع کودکان و نوجوانان بر یادگیری: مرور ادبیات

محبوبه فراشباشی آستانه | الهام صیادعبیدی

### ■ چکیده

هدف: ادبیات علمی را در موضوع رابطه میان ساختار کتاب‌های مرجع کودکان و نوجوانان با درک و یادآوری سنجیده است. روش/ رویکرد پژوهش: منابع مرتبط علوم تربیتی و متون کتابداری در زمینه ساختار منابع مرجع مختص کودکان و نوجوانان بررسی شده است. یافته‌ها: شیوه سازماندهی و ارائه مطالب در این نوع کتاب‌ها و برای گروه خاص کودکان و نوجوانان اهمیت دوچندان دارد. نتیجه‌گیری: لازم است ناشرین این دسته از کتاب‌ها را از اهمیت ساختار آگاه‌تر تا کتاب‌هایی با ساختار قابل فهم‌تر منتشر کنند.

### کلیدواژه‌ها

کودکان و نوجوانان، کتاب‌های مرجع، ساختار کتاب‌های مرجع، تأثیر ساختار متن بر یادگیری

# تأثیر نقش ساختار کتاب‌های مرجع کودکان و نوجوانان بر یادگیری: مرور ادبیات

محبوبه فرشباهی آستانه<sup>۱</sup> | الهام صیادعبدی<sup>۲</sup>

دریافت: ۱۳۸۷/۶/۱۴ پذیرش: ۱۳۸۸/۷/۱۵

## مقدمه

همان‌طور که می‌دانیم، کتاب‌های مرجع، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای سازماندهی و بازیابی اطلاعات، نقشی اساسی در برآورده کردن نیازهای اطلاعاتی خوانندگان<sup>۲</sup> مختلف دارند. از آنجا که هدف نگارش و تألیف این کتاب‌ها با سایر منابع متفاوت است و ضمن آنکه این آثار معمولاً از ابتدا تا انتها خوانده نمی‌شود و خوانندگان برای پاسخ به پرسش خاصی به سراغ آنها می‌آیند، لازم است شیوه ارائه مطالب آنها با هدف مذکور هماهنگ باشد. به عبارت دیگر، ساختار این منابع باید به گونه‌ای باشد که بازیابی و دسترسی به اطلاعات آنها به آسانی صورت پذیرد. در این میان، کتاب‌های مرجع کودکان و نوجوانان نیز از این امر مستثنا نیستند ضمن آنکه به دلیل متفاوت بودن نیازهای این گروه سنی با گروه بزرگسالان، ساختار متفاوتی را می‌طلبند. با این مقدمه کوتاه، مقاله حاضر در نظر دارد ضمن بیان ضرورت همخوانی ساختار آثار مرجع تولید شده برای کودکان و نوجوانان، با نیازهای آنان، به تأثیر و نقش ساختار بر میزان فهم و یادگیری آنها بپردازد.

به اعتقاد رایج (۱۳۸۳)، اطلاعات ماهیتی هرج و مرج طلب دارد. اطلاعات نمی‌تواند خودش را سازماندهی کند، بلکه گرایش به بی‌نظمی دارد. در واقع، او به‌طور ضمنی به نقش منابع و کتاب‌های مرجع در سازماندهی و بازیابی اطلاعات اشاره می‌کند. همچنین، حری (۱۳۷۲)، یکی از روش‌های دسترسی پذیر کردن سریع محتویات منابع

۱. کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی  
دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)  
vastaneh@gmail.com  
۲. دانشجوی دکتری کتابداری و اطلاع‌رسانی  
دانشگاه استرالیا  
e.sayyadabdi@qut.edu.au  
۳. برای مطالعه بیشتر درباره خواندن  
و خوانندگان مراجعه کنید به «خواندن:  
ضرورت، لذت یا هدف؟» گفتگو با  
نوش آفرین انصاری، دکتر ابراهیم افشار،  
داریوش مطلبی، لیلا مکتبی فرد. کتاب ماه  
کلیات، ۱۴۳، آبان ۱۳۸۸.

اطلاعاتی را بهره‌گیری از شیوه‌های نظم‌دهی به اطلاعات درون آنها می‌داند. یعنی، دسترس‌پذیری محتوا شریطی دارد که بدون وجود آنها عمل دسترسی تحقق نمی‌یابد. مهم‌ترین این شریط، سازمان‌دار بودن اطلاعات است. وی به نقل از زایمن از سه نوع سازمان یاد می‌کند که می‌توان از آنها به سازمان‌ساختی، سازمان‌بافتی، و سازمان‌کتاب‌شناختی یاد کرد. منظور زایمن از سازمان‌ساختی، که در این مقاله نیز مدنظر می‌باشد، آن است که یک کتاب برای اینکه قابل استفاده باشد، باید از طریق ترکیب درست حروف، کلمات، عبارات، جملات، بندها، فصول، به گونه‌ای معنی‌دار سازمان‌یابد.

همان‌گونه که از گفته‌های متخصصان (حری، ۱۳۷۱؛ حری، ۱۳۷۲؛ رانگاناتان، ۱۹۶۱) برمی‌آید و در این پژوهش نیز بر آن تأکید می‌شود، ساختار کتاب‌های مرجع مانند محتویات آنها از اهمیت برخوردار است. به عبارت دیگر، رسالت این دسته از کتاب‌ها تنها با سازمان‌دهی و دسترس‌پذیر کردن اطلاعات و دانش پایان نمی‌یابد؛ بلکه شیوه ارائه این اطلاعات، که ساختار کتاب را تشکیل می‌دهد، از اهمیت بسزایی برخوردار است. به بیان دیگر، با انتشار صرف محتوای یک کتاب مرجع به مقصود خود نرسیده‌ایم، و یک اثر مرجع زمانی از بیشترین کارایی برخوردار خواهد بود که بتوان به راحتی به اطلاعات ارائه شده در آن دسترسی پیدا نمود.

از آنجا که هر متنی را می‌توان با ساختارهای متفاوت ارائه نمود، بدیهی است که درک مطلب بهتر و فراخوانی<sup>۴</sup> واضح‌تر از ذهن و متعاقب آن یادگیری، زمانی حاصل می‌شود که متن از یک ساختار مشخص پیروی کند. متون موجود در کتاب‌های مرجع مدنظر این پژوهش، از نوع اطلاعاتی می‌باشند. متون اطلاعاتی اغلب زمانی خوانده می‌شود که شخص در حال جست‌وجوی پاسخ سؤالی است یا علاقه‌مند است که در مورد یک موضوع بیشتر بداند. هنگام مواجهه با یک متن اطلاعاتی، خوانندگان باتجربه، از ابزارهای جهت‌یابی مانند فهرست مندرجات، نمایه، و واژه‌نامه برای مکان‌یابی اطلاعات استفاده می‌کنند (آرمبراستر<sup>۵</sup>، ۱۹۸۴). این ابزارها، برای خواننده، ساختار یا چارچوبی سازمان‌یافته در متن فراهم می‌آورند و مکانی را به وی نشان می‌دهند تا جست‌وجوی اطلاعات مورد نیازش را از آن قسمت شروع کند. این نوع متون عموماً از ابتدا تا انتها خوانده نمی‌شوند.

بدیهی است، ساختار هر متن و، به دنبال آن، هر اثر که کتاب مرجع نیز یکی از آنها می‌باشد، از عوامل گوناگونی تأثیر می‌پذیرد. یکی از این عوامل، گروه سنی مخاطبان است. کودکان و نوجوانان در میان جامعه مخاطبان به عنوان گروهی مطرح هستند که در ابتدای مسیر آموزش و یادگیری از طریق خواندن قرار دارند. به همین علت، شیوه ارائه مطالب به آنان از اهمیتی برخوردار است. نجاری (۱۳۸۴)، در قالب یک مثال به سادگی و زیبایی این امر را نشان داده است. به عقیده وی، یک فرهنگ لغات خوب و کارآمد برای کودکان و نوجوانان که خیلی

4. Recall  
5. Armbruster

به‌طور آگاهانه به مطالعه و یادگیری زبان خارجی نمی‌پردازند، باید خصوصیات و ویژگی‌های خاصی را دارا باشد تا برای این گروه سنی قابل درک و فهم و همچنین قابل استفاده باشد. از آنجا که به‌نظر می‌رسد، کودکان و نوجوانان کتاب مرجع را به قصد یادگیری می‌خوانند و از طرفی به‌نظر می‌رسد، فرایند یادگیری دفعته‌اً حاصل نمی‌شود و عواملی چند در آن دخیل است که سازمان متن به‌عنوان یکی از این عوامل مطرح است، لذا می‌توان چنین برداشت نمود که ساختار کتاب مرجع می‌تواند در یادگیری کودکان و نوجوانان تأثیرگذار باشد. در این زمینه، نجاری (۱۳۸۴)، ضمن اشاره به انواع فرهنگ‌های لغت برای کودکان و نوجوانان بر این نکته تأکید می‌ورزد که فرهنگ لغات دارای ساختار مناسب مطابق با ذهن کودک و نوجوان، روند یادگیری وی را آسان‌تر و سریع‌تر می‌سازد. وی در جایی دیگر بر لزوم جدایی ساختار کتاب‌های مرجع کودکان و نوجوانان از دیگر کتاب‌های مرجع تأکید می‌ورزد.

عماد خراسانی (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای با عنوان «گذری و نظری بر کویر کتاب‌های مرجع برای کودکان و نوجوانان ایرانی» ضمن تأکید بر ضرورت وجود کتاب‌های مرجع برای کودکان و نوجوانان و مرور تاریخچه منابع مرجع برای این گروه سنی، به بررسی نمونه‌های چاپ شده در ایران پرداخته و در آخر با اشاره به عواملی که برای تهیه و تدوین کتاب‌های مرجع ویژه کودک و نوجوان ایرانی مورد نیاز است، معتقد است کتاب‌های مرجع برای کودکان و نوجوانان در ایران از ساختار اصولی و منسجمی برخوردار نیست که می‌تواند ناشی از ناآشنایی دست‌اندرکاران ذی‌ربط با اینگونه منابع باشد و یا عدم احساس ضرورت و اهمیت منابع مرجع در سازوکار ذهنی کودک و نوجوان به‌عنوان یک پژوهنده بالقوه که باید در مسیر صحیح فعالیت‌های پژوهشی قرار گیرد.

با توجه به مطالب یادشده می‌توان چنین برداشت کرد که ساختار کتاب‌های مرجع، به‌عنوان عاملی اساسی در بازیابی و دسترسی آسان به محتویات آن، به‌خصوص در کتاب‌های طراحی شده برای کودکان و نوجوانان، حائز اهمیت است.

با توجه به آنچه بیان گردید رویکرد مقاله حاضر، بررسی تأثیر ساختار بر دو مؤلفه یادگیری یعنی درک مطلب<sup>۷</sup> و فراخوانی از ذهن است. در این زمینه، ضمن بیان دیدگاه‌های متخصصان مختلف کتابداری و علوم تربیتی به تحلیل و بررسی نقش ساختار در تحقق درک مطلب ساده‌تر و به‌یادآوری آسان‌تر پرداخته می‌شود.

## تأثیر ساختار متن بر درک مطلب

یافته‌های متخصصان مختلف علوم تربیتی (موثر<sup>۷</sup> ۱۹۸۲؛ تیلور<sup>۸</sup> ۱۹۸۲؛ میر<sup>۹</sup> ۱۹۷۷a و ۱۹۷۷b) حاکی از آن است که عوامل بسیاری بر درک مطلب یا فهم آن تأثیرگذار است که سازماندهی

6. Comprehension

7. Moes

8. Taylor

9. Meyer

یا ساختار یکی از آن عوامل است که خود دارای مؤلفه‌های خاصی است. براون<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۳)، در مقاله خود با عنوان «جستجوی متون اطلاعاتی؛ عوامل تأثیرگذار متن و روش جستجو بر عملکرد»، ضمن بررسی این مؤلفه‌ها که از آن باعنوان ویژگی‌های متن یاد می‌کند، به این نکته اشاره می‌کند که خواننده یک کتاب درسی در بازیابی اطلاعات به‌منظور حل مسئله، از ابزارهای جهت‌یابی<sup>۱۱</sup> موجود استفاده می‌کند که عبارت است از واژه‌نامه، فهرست مندرجات، و نمایه. شناسایی و استفاده از ترتیب، سازمان یا رئوس مطالب متن که اغلب توسط نویسنده برجسته شده است، امکان‌جایی و استخراج اطلاعات را افزایش می‌دهد. چامبلیس<sup>۱۲</sup> (۱۹۹۵) نیز بیان می‌دارد که ساختار متون اطلاعاتی از یک کل و یک یا چند زیرعنوان تشکیل می‌شود. بنابراین، هدف از خواندن در چنین متونی کسب ایده اصلی یا جان‌کلام است. لئون و کارتر<sup>۱۳</sup> (۱۹۹۵)، در جایی دیگر، بر نقش مهمی که عناوین متون<sup>۱۴</sup> در شناسایی ارتباط منطقی و اصلی در یک متن ایفا می‌کند، تأکید کردند. لورچ و لورچ<sup>۱۵</sup> (۱۹۹۵)، نشان دادند که چطور سرعنوان‌های<sup>۱۶</sup> یک متن به خواننده یاری می‌رساند تا سازمان یک متن را به‌راحتی شناسایی نماید. مک کوریبیک و کوپر<sup>۱۷</sup> (۱۹۸۸) نیز پاراگراف‌های کوتاه‌تر را بر افزایش درک مطلب، مؤثر می‌دانند.

علاوه بر عناوین و سرعنوان‌ها، که نشان‌دهنده سازمان ساختاری اطلاعات می‌باشد، دامنه‌ای از روش‌های چاپی<sup>۱۸</sup> نیز وجود دارد که توجه خواننده را به‌سوی اطلاعات مهم و اصلی جلب می‌کند (هارلی<sup>۱۹</sup>؛ والر<sup>۲۰</sup>؛ ۱۹۹۱؛ براون، ۲۰۰۳). این موارد عبارت‌اند از: زیرخط دار کردن متن، نوشتن با حروف بزرگ (در متون لاتین)، تغییر قلم، پرننگ نوشتن متن، کج نوشتن متن، استفاده از رنگ یا علائم نقطه‌گذاری مانند گیومه، تکی، یا «دوتایی»، طراحی گرافیکی دقیق و معقول صفحات شامل محل قرارگیری متن، فضای سفید، و یا تصاویر که بر آسانی یا دشواری قرارگیری اطلاعات تأثیرگذار است.

عامل مهم دیگری که می‌تواند در برجسته‌سازی ایده اصلی متن نقش مهمی ایفا نماید و به بیان بهتر، تکمیل‌کننده ساختار باشد، تصویر<sup>۲۱</sup> است. بروکشایر، شارف، و موزز<sup>۲۲</sup> (۲۰۰۲) در پژوهشی که انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که کودکان، علاوه بر اینکه کتاب‌های دارای تصویر را ترجیح می‌دهند، درک مطلبشان نیز از این نوع کتاب‌ها بالاتر است. در واقع، متنی که تصویر همراه آن باشد، نسبت به متن تنها یا تصویر تنها دارای بالاترین میزان درک مطلب است.

با توجه به یافته‌های متخصصان که به آنها اشاره شد، می‌توان چنین برداشت کرد که عناصر تشکیل‌دهنده ساختار متن، نقش مهمی در بازیابی مطلب اصلی آن بازی می‌کند. بدیهی است امر، به درک مطلب ساده‌تر مطلب کمک می‌کند.

10. Brown
11. Navigational Tools
12. Chambliss
13. Leon&Carretero
14. Titles of texts
15. Lorch
16. Headings
17. McCormick&Cooper
18. TypographicTechniques
19. Harley
20. Waller
21. Illustration
22. Brookshire, Scharff& Moses

## تأثیر ساختار بر فراخوانی از ذهن

خواندن فرایندی است که طی آن، خواننده اطلاعات را از متن می‌گیرد و درک می‌کند. پژوهش‌های بسیاری در این زمینه نشان می‌دهد که فراخوانی، زمانی با موفقیت انجام می‌شود که متن از ساختار خوبی برخوردار باشد. در عوض، فراخوانی از متونی که از ساختار مناسب برخوردار نباشد، محدود و ضعیف است (لاو<sup>۲۳</sup>، ۱۹۹۵). همچنین، به هم پیوستگی و انسجام بیشتر باعث می‌شود که مطالب بهتر در ذهن نگهداری شوند و یادآوری و فراخوانی آنها نیز آسان‌تر باشد (شهرآرای، ۱۳۸۴).

به گفته شهرآرای (۱۳۸۴)، عوامل مختلفی در فراخوانی اطلاعات تأثیر مثبت دارد که سازماندهی مطالب یکی از آنهاست. به اعتقاد وی، هرچه مطالبی که افراد می‌آموزند، سازماندهی و نظم بیشتری داشته باشد، آسان‌تر نیز فراخوانی می‌شود. لذا مطالبی را که می‌خواهیم کودکان و نوجوانان بعد از نگهداری بازگردانند، باید سازمانی منطقی داده شود. به عبارت بهتر، می‌توان چنین بیان داشت که مطالبی بهتر یاد گرفته و به یاد آورده می‌شوند که بر پایه و معنایی (اصول) با یکدیگر پیوند داشته باشد. لذا برای ایجاد ارتباطی بین مطالب و موضوعات، بهترین روش آن است که یا خود به مطالبی که می‌خواهیم سازمانی معقول، منطقی و بامعنی بدهیم و یا به کودکان و نوجوانان کمک کنیم تا به‌طور فعال و سازنده به مطالب سازمان و نظم دهند و یا سازمان موجود بین آنها را کشف کنند (شهرآرای، ۱۳۸۴، ص ۶۶). در این زمینه، پیازنه نیز با نظریه طرح‌واره بر این عقیده است که دانش ساخت یافته به شکل شبکه‌ای دقیق و بسط یافته از ساختارهای انتزاعی ذهنی است که بازنمون‌کننده فهم شخص از محیط پیرامون خویش می‌باشد. در واقع، افراد از طرح‌واره‌ها برای سازماندهی دانش فعلی و ساخت چارچوبی برای درک بیشتر استفاده می‌کنند (ویکی‌پدیا<sup>۲۴</sup>، ۲۰۰۹).

به نظر می‌رسد کتاب مرجع، به‌عنوان یک منبع اطلاعاتی می‌تواند بستر مناسبی باشد که با سازمان دادن مطالب آن قبل از انتشار، می‌توان ارتباط مذکور را ایجاد نمود و به‌واسطه همین ارتباط، کودکان و نوجوانان را در کشف ساختار مذکور یاری رساند.

یکی از راه‌های ایجاد همخوانی و سازماندهی مطالب آن است که آنها را با هم بیاوریم. یعنی رابطه‌ای فیزیکی یا فضایی (در یک فضا و در نزدیکی و مجاورت هم) میان آنها ایجاد کنیم. این سازمان به‌واسطه مؤلفه‌های تشکیل دهنده ساختار که در بالا به آن اشاره شد، صورت می‌پذیرد.

در پژوهشی که توسط لورچ، و لورچ و اینمان<sup>۲۵</sup> (۱۹۹۳) انجام شد، تأثیرات ابزارهای راهنما<sup>۲۶</sup> که در تحقیق آنها عبارت بود از سرعنوان‌ها، پیشگفتار، و خلاصه‌ها بر به یادآوری متن مشخص گردید. نتیجه پژوهش آنان نشان داد که وجود راهنماها در فراخوانی موضوعات

23. Law

24. Wikipedia

25. Loech & Inman

26. Signaling devices

و چگونگی سازماندهی متن مؤثر بوده است. همچنین در همان پژوهش، آنها به این نتیجه رسیدند که راهنماها در فراخوانی مطلب از متنی که ساختار منسجم‌تری داشته است، به خواننده بهتر یاری رسانده است.

همچنین، می‌توان به پژوهش تیلور و ساموئلز<sup>۲۷</sup> (۱۹۸۳) اشاره کرد که در آن به این نتیجه رسیدند که ساختار مشخص متن، یکی از مهم‌ترین عوامل در میزان فراخوانی از ذهن است. علاوه بر این، پژوهش آنها مبین این مطلب نیز بود که آگاهی خوانندگان از ساختار، منجر به فراخوانی بهتر از ذهن آنان می‌شود. به عبارت بهتر، ساختار خوب کتاب مرجع به تنهایی باعث بهبود فراخوانی از ذهن نمی‌شود. بلکه آگاهی از ساختار است که می‌تواند استفاده را به حد نهایت خود برساند. در واقع، آنچه که در فراخوانی از متن مهم است آگاهی خواننده از ساختار تشکیل‌دهنده متن است، بدان معنی که خواننده با آگاهی از ساختار متن فراخوانی بهتری از ذهن خواهد داشت. یکی از راه‌هایی که می‌توانیم مطمئن باشیم که خواننده از ساختار متن آگاه است آموزش آن می‌باشد. حال اگر این آموزش از سنین کودکی صورت بگیرد، یعنی زمانی که تازه شروع به خواندن کرده است، مؤثرتر است. کتاب مرجع در این زمینه به عنوان کتابی که دارای متون اطلاعاتی می‌باشد، کانال مناسبی است. مشابه همین پژوهش، پژوهش دیگری توسط مؤثر (۱۹۸۴) انجام شد که در آن، وی به نتیجه‌ای مشابه رسید با این تفاوت که او به مقایسه ارتباط بین سازمان متن و درک مطلب کودکان پرداخته بود.

## بحث و نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر، به بررسی نقش ساختار بر درک مطلب و فراخوانی آن از ذهن پرداخته شد. به بیان دقیق‌تر، نظر متخصصان این امر مورد توجه قرار گرفت و به تأثیر مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده ساختار بر این دو فرآورده<sup>۲۸</sup> اشاره شد. از آنجا که با حصول این دو فرآورده (درک مطلب و فراخوانی از ذهن) یادگیری حاصل می‌شود، می‌توان چنین نتیجه گرفت که ساختار، زمانی اثربخش خواهد بود که به واسطه مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده خود، به درک مطلب و فراخوانی جامه عمل ببوشاند. منظور از مؤلفه‌های ساختار، جزئیاتی است که ساختار بر پایه آنها بنا شده است و با تکیه بر آنهاست که دو فرآورده درک مطلب و فراخوانی حاصل می‌شود. نتایج حاصل را می‌توان به شکل نمودار ۱ خلاصه کرد.

کتاب مرجعی که مخاطب آن کودک و نوجوان باشد با این هدف انتشار یافته است که در پاسخ به سؤالات موجود در ذهن وی که از پیچیدگی ذهن بزرگسالان برخوردار نیست، یاری رساند. برای تحقق این هدف، لازم است مطالب مندرج در کتاب از ساختاری برخوردار باشد که کودک را در این امر هدایت کند. اما این ساختار با ساختار کتاب‌های مرجع

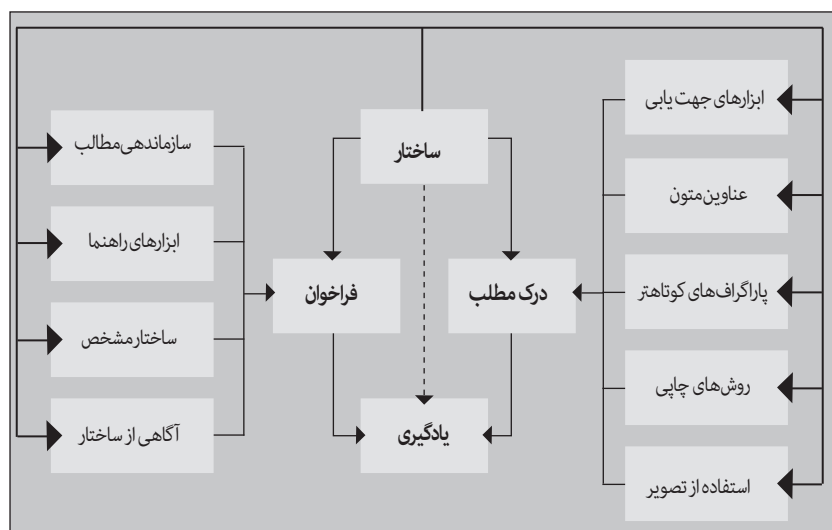
27. Samuels

۲۸. از آنجا که درک مطلب و فراخوانی حاصل و نتیجه نهایی فرایندی ذهنی است که به یادگیری منجر می‌شود، مؤلفان واژه فرآورده را برای این دو برگزیدند.



## نمودار ۱

نمودار نقش ساختار بر فرآورده‌های  
یادگیری و ارتباط میان آنها<sup>۳۹</sup>



بزرگسالان تا حدودی متفاوت می‌باشد. چرا که یادگیری از طریق خواندن، به‌ویژه خواندن کتاب مرجع که نوعی کتاب اطلاعاتی است، تجربه جدیدی برای وی محسوب می‌شود. با توجه به تمام این مطالب لازم است در امر انتشار کتاب‌های مرجع کودک و نوجوان به ساختار آنها نگاه ویژه‌ای مبذول گردد و به دنبال آن، مخاطبان این دسته از کتاب‌ها را از این ساختار آگاه نمود تا بیشترین استفاده از آنها صورت گیرد و آنها رسالت خود را به بهترین شکل ممکن به انجام رسانند. در این زمینه می‌توان به انجام پژوهش‌های موردی در رابطه با کتاب‌های مرجع منتشر شده توسط شورای کتاب کودک مانند فرهنگنامه کودک و نوجوان اشاره کرد. ساختارهای این دسته از کتاب‌ها با وجود اینکه مناسب به نظر می‌رسد، اما هنوز بررسی و مطالعه‌ای به لحاظ ساختاری بر روی آنها صورت نگرفته است و نیاز به تحقیق و بررسی در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد.

### منابع

- حری، عباس (۱۳۷۱). «مفهوم کتاب مرجع». *پیام کتابخانه*، ۲ (۱): ۲۲-۲۴.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۲). *مروری بر اطلاعات و اطلاع‌رسانی*. تهران: نشر کتابخانه.
- رابین، ریچارد ای. (۱۳۸۳). *مبانی علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی*. ترجمه مهدی خادمیان؛ ویراستار محمدحسین دیانی. مشهد: کتابخانه رایانه‌ای.
- شهرآرای، مهرناز (۱۳۸۴). *روانشناسی یادگیری کودک و نوجوان*. تهران: رشد.
- عمادخراسانی، نسرين (۱۳۹۰). «گذری و نظری بر کویر کتابهای مرجع برای کودکان و نوجوانان ایرانی». *بازیابی ۱۲ خرداد، ۱۳۹۰*، از:

<http://ketab.roshd.ir/portal/Home/ShowPage.aspx?Object=Standard&CategoryID=7>

۳۹. این نمودار توسط نویسندگان  
مقاله حاضر تهیه شده است.



9422bd8-653f-47ab-ba35-184e4a1e06ed&LayoutID=6fb860fa-8ecd-4e6d-ad45-8-ada0c56345a&ID=6546f96e-27a5-4ab5-9d28-c419eb4a8b13

نجاری، محمد (۱۳۸۴). «کتاب‌های مرجع برای کودکان و نوجوانان». شرق، ۱۳۸۴/۱۲/۲.

- Armbruster, B. B. (1984). "The problem of inconsiderate texts". In: G.G. Duffy, L.R. Roehler and J. Mason. (Eds.). *Theoretical issues in reading comprehension*. White Plains, NY: Longman.
- Brookshire, Jamye; Scharff, Lauren F. V.; Moses, Laurie E. (2002). "The influence of illustrations on children's book preferences and comprehension". *Reading psychology*, 23: 323-339.
- Brown, G.T.L. (2003). "Searching informational texts: Text and task characteristics that affect performance". *Reading Online*, 7(2). Retrieved December 2, 2008, from: [http://www.readingonline.org/articles/art\\_index.asp?HREF=brown/index.html](http://www.readingonline.org/articles/art_index.asp?HREF=brown/index.html)
- Chambliss, M.J. (1995). "Text cues and strategies successful readers use to construct the gist of lengthy written arguments". *Reading Research Quarterly*, 30 (2): 778-807.
- Harley, J. (1996). "Text design". In: D. Jonassen (Ed.). *Handbook of research for educational communications and technology*. Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Law, Yin Kum (1995). "Effects of text structures on recall". *Education Journal*, 23 (1): 115-133.
- Leon, J.A.; Carretero, M.(1995). Intervention in comprehension and memory strategies: knowledge and use of text structure". *Learning and Instruction*, 5(3): 203-220. Retrieved August 18, 2011, from: ELSEVIER (sciencedirect Database)
- Lorch, R.F. ; Lorch, E.P. (1995). "Effects of organizational signals on text-processing strategies". *Journal of Educational Psychology*, 87(4): 537-544.
- Lorch R. F. ; Lorch, E.P. ; Inman, W. E. (1993). "Effects of signaling topic structure on text recall". *Journal of educational psychology*, 85(2): 281-290.
- Mccormick, Sandra; Cooper, John O. (1988). "Investigation of a study technique to increase learning disabled students' reading comprehension of expository texts". *Reading Psychology*, 12 (3): 239 - 271.
- Meyer, B.J.F. (1977a). "The structure of prose: Effects on learning and memory and implications for educational practice". In: Richard C. Anderson (Ed.), *Schooling and the acquisition of knowledge*. New Jersey: John Wiley & Sons, Inc.
- \_\_\_\_\_ (1977b). "What is remembered from prose: A function of passage structure". In: R.O. Feedle (Ed.). *Discourse production and comprehension*. New York: Ablex Publication Corporation.
- Moes, Mary A.; et al. (1984). "Effects of text structure on children's comprehension of expository materials". Paper Presented at the annual meeting of the national reading conference, Austin, TX.

- Ranganathan, S. R. (1961). *Reference service*. 2nd ed. Bangalore: sarada ranganathan endowment for library science.
- Schema (psychology) (2009). "In the Wikipedia". Retrieved February 14, 2009, from: [http://en.wikipedia.org/wiki/Schema\\_\(psychology\)](http://en.wikipedia.org/wiki/Schema_(psychology))
- Taylor, B.M. (1982). "Text structure and children's comprehension and memory for expository material". *Journal of Educational Psychology*, 74 (3): 323-340.
- Taylor, B.M.; Samuels, S. Jay (1983). "Children's use of text structure in the recall of expository material". *American Educational Research Journal*, 20 (4): 517-528.
- Waller, R. (1991). "Typography and discourse". In: R. Barr, M.L. Kamil, P. B. Mosenthal and P.D. Pearson. (Eds.). *Handbook of reading research*. New York: Longman.

